

علی کریمی‌کیا^۱، محمد میرزائی^۲، سیاوش عبداللهی^۳، سعید ستارنژاد^۴، بهنام کریمی^۵
۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.
a.karimikiya@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.
۴. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.
۵. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

«بررسی نقوش صخره‌ای مجموعه باستانی داش؛ مشکین شهر، شمال غرب ایران»

چکیده:

نقوش صخره‌ای یا سنگ نگاره‌ها از ابتدایی‌ترین هنر بشری برای بروز احساسات و مشاهدات خود از محیط پیرامونش بوده است. این هنر، نمونه بارز یک هنر جهانی است که قدمت آن به اعماق تاریخ بشر برمی‌گردد. در ایران نقوش صخره‌ای را می‌توان در اکثر مناطق کوهستانی که به نحوی زندگی کوچ نشینی و رمه‌داری در آن جریان دارد، مشاهده کرد. «مجموعه داش» در منطقه شمال غرب ایران، حوضه رودخانه قره‌سو در شهرستان مشکین شهر واقع شده است. از آنجا که این نقوش در ارتباط با معیشت بوده، شاید بتوان با مطالعه اینها، از نوع زندگی ساکنان ابتدایی این منطقه مدارکی به دست آورد. در حوضه رودخانه قره‌سو، محوطه‌های دیگری مانند شهریری، مَشیران، شیخ مدی و کوه دره‌سی هنر صخره‌نگاری ارزشمندی دارند و به دلیل مشابهت‌هایی که دارند می‌توان گفت در ارتباط با یکدیگر بوده‌اند. مطالعه نقوش صخره‌ای «مجموعه داش» با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و نقوش موجود در سه گروه انسانی، حیوانی و هندسی معرفی و طبقه‌بندی شده و به عنوان نتیجه می‌توان گفت: نقوش منطقه شمال غرب ایران با سنگ نگاره‌های شمال رود ارس به خصوص مجموعه قوبستان آذربایجان دارای شباهت‌های بسیار زیادی از لحاظ مضمون و سبک‌های نقاشی وجود دارد، بنابراین با توجه به تاریخ‌گذاری دقیق محوطه قوبستان می‌توان با مقایسه نقوش این دو منطقه برای نقوش حوضه قره‌سو، تاریخی از دوره نوسنگی تا دوران معاصر را دارد. در رابطه با اینکه، این نقوش چه ارتباط و پیوستگی‌هایی با پیشینه معیشتی و زیست محیطی و... با این منطقه دارد، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: شمال غرب ایران (آذربایجان)، مشکین شهر، رودخانه قره‌سو، نقوش صخره‌ای، مجموعه داش.

۱. مقدمه

به عقیده بسیاری از پژوهشگران، هنر صخره‌ای نمونه بارز یک هنر جهانی است که قدمت آن به اعماق تاریخ بشر برمی‌گردد و اغلب این نوع هنر را جزو مهم‌ترین شاخه‌های هنرهای تجسمی تلقی کرده‌اند که نخستین جلوه‌های شناخته شده از حسن زیبایی شناختی و طبع هنری اجداد انسان را در نقاط مختلف دنیا به نمایش می‌گذارد (وحدتی، ۱۳۸۹: ۹). سنگ‌نگاره‌های باستانی که انسان گذشته برای اهداف گوناگون آن را ترسیم کرده است، شامل انباشتی از قدیمی‌ترین و موثق‌ترین مدارکی هستند که انسان‌شناسان و باستان‌شناسان را از چگونگی تکامل فرهنگ‌های انسانی و ساختارهای پیچیده اجتماعی گذشتگان آگاه می‌سازد. این نوع از آثار بخشی از آثار هنری هستند که انسان برای اثبات وجود خود به طور آگاهانه یا ناخودآگاه به یادگار گذاشته است. این هنر در اکثر نقاط جهان قابل مشاهده بوده و بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ هنر انسان محسوب می‌شود و نسل اندر نسل در جوامع

انسانی ادامه پیدا کرده و در روند رشد و تعالی فکری و هنری جوامع مختلف انسانی مؤثر بوده‌اند (تولستوی، ۱۳۵۶: ۵۵). هنر صخره‌نگاری به صورت متداول از دوران پیش از تاریخ شروع شده و امروزه نیز در میان چوپانان و کوچ نشینان ادامه دارد. با جدیت می‌توان گفت هنر صخره‌ای به طور ناگهانی پدید نیامده، بلکه به تدریج با تکامل فرهنگ‌های انسانی شکل گرفته و رشد کرده است. آنها می‌توانند در مکان‌های متفاوتی از قبیل سطح دیواره غارها، پناهگاه‌های سنگی یا روی تکه‌سنگ‌های قرار گرفته در مکان‌های آزاد پیدا شوند، اما آنها اغلب در بافت‌های مشابهی ظاهر می‌شوند (Bradley et al, 1994: 374) در تعریف هنر صخره‌ای آورده‌اند که شامل سمبل‌های به کار گرفته شده توسط انسان‌ها روی صخره‌هاست. این سمبل‌ها ممکن است انتزاعی یا واقعی یا ترکیبی از هر دو اینها باشد (Sinay, 2001: 5). برای همه ما، تغییر بقایای فیزیکی خواه باستان‌شناس باشیم یا مطالعه بقایای استخوان‌شناسی انجام دهیم برای تقویت ارتباط





ما بین جوامع گذشته و حال معنادار خواهد بود (Smith, 2006: 76). هنر صخره‌ای بصورت گسترده در سرتاسر جهان وجود دارد و در ایران نیز می‌توان در بسیاری از نقاط، محوطه‌هایی که دارای نقوش صخره‌ای هستند را مشاهده کرد. پژوهش‌های گسترده تاکنون منجر به کشف مجموعه‌های بزرگی از هنر صخره‌ای، به ویژه سنگ‌نگاره‌ها در بیشتر نقاط دنیا انجام شده که موضوع بحث مقالات و کتاب‌های مختلف بوده‌اند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۹). هر یک از این مجموعه‌های بزرگ دارای انواع نقوش منفرد و گروهی هستند که دارای بیشترین مدارک و رموز نمادین در مورد تکامل انسان‌ها در ادوار مختلف را نشان می‌دهند. طی آخرین مطالعات به عمل آمده، به‌طور کلی هنر صخره‌ای به چهار گروه مختلف شامل: پتروگلیف^۱، پیکتوگراف^۲، کاپیول یا نقوش فنجان‌وار^۳ و ژئوگلیف^۴ تقسیم‌بندی می‌شود (Sinay, 2001: 5). نقش ماهی‌های پتروگلیف، کاپیول و ژئوگلیف بر اثر کنده‌کاری، حکاکی، سایشی و چکش‌کاری ایجاد می‌شود حال آن‌که، پیکتوگراف‌ها، نقاشی‌ها یا رنگین‌نگاره‌ها را شامل می‌شود که با مواد رنگی مختلف و با ابزارهای گوناگون مانند چوب و انگشت دستان در سطوح مناسب ترسیم می‌شوند. رنگین‌نگاره‌ها گاهی با ذغال یا دوده بر دیوار غارها و اشکفت‌ها نقاشی شده و گاهی نیز با استفاده از انواع رنگ دانه‌های معدنی مانند گل اخرا^۵، همتیت^۶، لیمونیت^۷ و منگنز^۸ یا سایر کانی‌های آهن‌دار که رنگ قرمز تولید می‌کنند، ایجاد شده‌اند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۶۷). پژوهشگران هنرهای تاریخی، هنرهای صخره‌ای را از مهم‌ترین و اسرارانگیزترین آثار باستان‌شناختی و تاریخی می‌دانند و چنین یادآوری کرده‌اند که برای فهم تاریخ بشر، از هنرهای صخره‌ای می‌توان به‌عنوان «زبان مشترک بشری» و «آرشیو زنده تاریخ» یاد کرد (Rüstəmov, 1994: 31).

۲. روش پژوهش

تحقیقات و بررسی‌های صورت گرفته روی سنگ‌نگاره‌های «مجموعه داش» با تکیه بر بررسی‌های میدانی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به صورت توصیفی-تحلیلی بوده است. ابهاماتی که در این میان وجود دارد گاه‌نگاری این مجموعه است، با توجه به شواهد و قرائن موجود می‌توان این نگاره‌ها را به دوران پیش از تاریخ و تاریخی منسوب کرد که در ادوار بعد نیز ایجاد آنها تداوم داشته است.

۳. پیشینه تحقیق

نقوش صخره‌ای مجموعه داش را که جزئی از مجموعه

نقوش حوضه رودخانه قره‌سو در شمال غرب ایران است می‌توان در گروه سنگ‌نگاره‌ها و رنگین‌نگاره‌ها و حتی کاپیول‌ها (فنجان‌واره‌ها) طبقه‌بندی کرد که شامل نقوش حیوانی، انسانی و هندسی است. بر حسب تعداد نقوش حکاکی شده، محوطه داش یکی از بزرگ‌ترین مجموعه سنگ‌نگاره‌های آذربایجان در فلات ایران محسوب می‌شود. باید عنوان کرد که نمونه‌های شناسایی شده در این حوضه و حوضه شمالی رود ارس دارای اهمیتی ویژه است، زیرا این منطقه از گذشته‌های دور به‌عنوان یک چهار راه ارتباطی بین مناطق شمالی (قفقاز)، غربی (آناتولی، لوانت و اروپا)، جنوبی (زاگرس و جنوب غرب آسیا) و همچنین آسیای میانه بوده و محلی برای ارتباط فرهنگ‌ها است.

شمال غرب ایران یکی از مساعدترین مکان‌های جغرافیایی برای سکونت و معیشت انسان از پیش از تاریخ تا عصر حاضر بوده که یافته‌های باستان‌شناسی گواه بر این ادعاست. یکی از مهم‌ترین این یافته‌ها، سنگ‌نگاره‌های مشگین‌شهر (حوضه رود قره‌سو) است. از آنجاکه نقوش صخره‌ای یکی از ابتدایی‌ترین هنرهای بشری برای شناخت زیستگاه، معیشت، تاریخ، فرهنگ و باورها و اعتقادات انسانی است همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و در این میان فراوانی نقوش صخره‌ای در شمال غرب باعث شده که توجه خاصی به این منطقه شود. از تحقیقات انجام گرفته روی هنر صخره‌نگاری این منطقه می‌توان به: سنگ‌نگاره‌های قره‌داغ (ارسباران / سونگون) (رفیع فر، ۱۳۸۱)، (رفیع فر، ۱۳۸۴)، هنر صخره‌ای در شمال غرب ایران (رفیع فر، ۱۳۸۸)، معرفی نقوش صخره‌ای شهریری (هورشید، ۱۳۸۶)، نقوش صخره‌ای ارسباران (کریمی، ۱۳۹۲)، بررسی سنگ‌نگاره‌های مشگین‌شهر (فتاح زاده، ۱۳۹۴)، بررسی‌های باستان‌شناختی کوه داشی^۹ زنجان (نورالهی، ۱۳۹۳) و بررسی سنگ‌نگاره‌های دوزداغی در شمال غرب ایران (Kazempur et al, 2011) اشاره کرد.

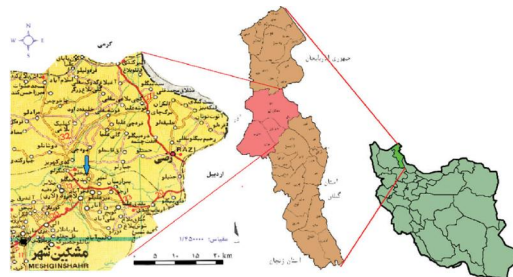
۴. موقعیت جغرافیایی محوطه داش

مجموعه نقوش صخره‌ای داش؛ بین دو روستای کده بیگلو و چاپاقان^{۱۰}، شهرستان مشگین‌شهر از توابع استان اردبیل در موقعیت جغرافیایی ۳۸°۳۳'۴۵" و ۴۷°۵۱'۵۱" با ارتفاع ۱۱۰۰ متری از سطح دریا در جنوب رودخانه قره سو واقع شده است (تصویر ۱). داش که در زبان ترکی به معنای سنگ است به کوهی بیضی شکل با تخته سنگ‌های فراوان روی آن که به صورت شرقی‌غربی بین این دو روستا قرار گرفته است اطلاق می‌شود. سراسر کوه از تخته سنگ‌هایی با اندازه‌های متفاوت پوشیده شده که سطح صاف و جنس

1. Petroglyph
2. Pictograph
3. Cupules
4. Geoglyph
5. Ocher
6. Hematite

7. Limonite
8. Manganese
9. Deve daşı
10. capagan
11. Granite

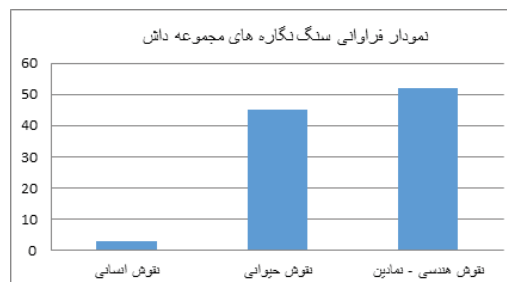
گرانیتی^{۱۱} آن مانند بوم نقاشی مورد توجه انسان شکارگر و رمه‌دار در گذشته و حال بوده که همین عامل، در کنار حس زیبایی شناسی و قوه آفرینندگی انسان باعث شده تا به خلق آثاری زیبا از معیشت، طبیعت و باورهای جامعه خود بپردازد.



تصویر ۱: موقعیت مجموعه داش در بین روستاهای دهبیگلو و چپقان (نگارندگان)

۵. بررسی سنگ‌نگاره‌های مجموعه داش

بررسی محوطه داش که در سال ۱۳۹۳ صورت گرفت حاوی نکات بسیار زیادی بود که در اینجا به تشریح بیان می‌شود. نقوش صخره‌های این مجموعه به‌طور پراکنده در روی تخته سنگ‌های صاف روی دامنه کوه قابل مشاهده هستند. به‌طور کلی نقوش مایه‌ها مشتمل بر نقوش انسانی، حیوانی، علائم و نشانه‌های نمادین یا نقوش گیاهی هستند. در این بین، نقوش حیوانی و به خصوص بز کوهی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده؛ تاکنون در مجموع ۷۹ نقش مورد شناسایی قرار گرفته است که به ترتیب در گروه‌های حیوانی با ۴۵ نقش، انسانی با ۲۱ نقش و هندسی و گیاهی با ۱۳ نقش طبقه‌بندی کرد. نقوش حیوانی مانند بزهای کوهی با شاخ‌های بزرگ، قوچ و گوزن هستند. نقوش انسانی مشتمل بر نقش منفرد و گروهی و یا در حال انجام مراسم مذهبی یا رقص هستند. (نمودار ۱).



نمودار ۱: نمودار فراوانی سنگ‌نگاره‌های مجموعه داش (نگارندگان)

محوطه داش در مجاورت منابع آبی مختلف همچون رودخانه‌های فصلی یا مسیل‌هایی که به سمت قره‌سو منتهی می‌شوند، قرار دارند. بیشتر این نگاره‌ها به روش‌های کنده‌کاری و با وارد آوردن ضربه‌های متوالی یا ایجاد خراش با جسمی تیز بر بدنه سنگ و نقاشی کردن با

رنگ قرمز ایجاد شده‌اند. برخی از نقش‌ها با همین روش اما به‌صورت توپیر اجرا شده‌اند. اندازه نقش‌ها متفاوت و از ۳ سانتیمتر تا ۲۰ سانتیمتر متغیر است. عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش نقش‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند در گاه‌نگاری و تقدم و تأخر ایجاد آنها مورد نظر قرار گیرند. عمق و رنگ نقش‌ها حتی برخی که در یک صحنه قرار دارند با یکدیگر متفاوت بوده، بدین صورت که عمق برخی به علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی به قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره هم سطح شده یا این‌که سطح برخی دیگر با زمینه صخره هم رنگ شده و به راحتی قابل رؤیت نیستند. وجود زیستگاه‌ها و تپه‌های باستانی مربوط به دوران پیش از تاریخ (نوسنگی تا دوران اسلامی) در حوضه رود قره‌سو می‌تواند عاملی مهم و تعیین‌کننده در توجیه جایگاه تاریخی و فرهنگی این نقوش و زمان ایجاد آنها باشد. از دیگر ویژگی‌های مهم این مجموعه، ایجاد شدن اکثریت نقوش در فضاهای پناهگاه مانند می‌باشد که بصورت کنده‌کاری، خراش یا به‌صورت نقاشی در اندازه‌های مختلف ایجاد شده است.

۶. نقوش حیوانی

انسان‌های ابتدایی، معمولاً جز به ساخت پیکره و ترسیم نقش حیواناتی که در زندگی روزمره معیشتی خود با آن سروکار داشته‌اند، مشغول نمی‌شدند. با مشاهده و بررسی نقوش صخره‌های محوطه داش، این موضوع به عینه روشن می‌شود، زیرا تمامی حیوانات حکاکی شده، به نحوی با موضوع معیشت، شکار و زندگی روزمره انسان در ارتباط بوده‌اند. این نقش‌ها از نظر فراوانی و تعداد به ترتیب ذیل قابل تفکیک هستند که به معرفی نمونه‌های شاخص آنها می‌پردازیم: ۱- بز کوهی (۳۵ نقش)، ۲- آهو (۵ نقش)، ۳- گوزن (۴ نقش)، ۴- حیوانات وحشی (۳ نقش)، ۵- قوچ یا گاو (۲ نقش)، ۶- نامشخص (۱ نقش). نقش حیوانات در حالت‌های کلی؛ سکون، در حال قدم برداشتن، در حال مبارزه با یکدیگر و به‌صورت ردیفی پشت سر یکدیگر قابل مشاهده هستند. بیشترین تعداد نقوش همانند دیگر محوطه‌های حوضه قره‌سو و نقاط دیگر ایران مربوط به بز کوهی است که بیشتر به صورت استیلیزه و غیرطبیعی به نمایش درآمده‌اند. نقوش بز کوهی به‌صورت گله‌های حیوانی با دیگر حیوانات دیده می‌شوند. با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی، نقش بز تقریباً در تمامی مراکز باستانی حضور مستمر داشته است. در واقع، در دوران پیش از تاریخ، انسان‌ها، بز را مظهر یکی از عوامل سود بخش طبیعت قلمداد می‌کردند (بختورتاش، ۱۳۵۶: ۹). در میان نگاره‌ها، نقش حیواناتی سم‌دار با بدنی ظریف و شاخ‌هایی کشیده وجود دارد که به نظر می‌رسد نقش آهو باشند.

نقوش و تصاویر بز (بز کوهی) و سایر حیوانات علاوه بر سطوح صخره‌ها روی سفال‌ها نیز نقش اندازی شده است. برای نمونه تصویر بز کوهی که به‌صورت افزوده





روی سفال محوطه دینخواه تپه مربوط به عصر آهن ایجاد شده، اشاره کرد. این ظرف سفالی که از گور شماره ۹ بدست آمده و با شماره ۳۳۵ شناسایی شده و هر دو طرف ظرف سفالی ایجاد شده است (Muscarella, 1974: 60 - 61). غیر از دینخواه تپه از سایر محوطه‌های باستانی شمال غرب ایران مانند گوی تپه (Brown, 1951: 132 & 135)، هفتان تپه (Edwards, 1983: 289)، کردلر تپه (Lippert, 1979: 145, 146) و در حوضه قفقاز از محوطه‌هایی مانند شاه تختی (Halilov, 2013: 209)، یایچی (Quliyeva, 2014: 141) در جمهوری آذربایجان و محوطه نیژنی گناشن (Kushnareva, 1997: 100) در ارمنستان شناسایی شده است.

علاوه بر نقوش بز کوهی که از تمامی نقاط ایران یافت شده، نقوش گوزن نیز از مجموعه داش به دست آمده است. نقوش گوزن هم در سطوح مختلف سنگی و هم در روی سفال‌ها، مهرها و اشیای فلزی ایجاد شده، حتی از گوزن در اسطوره‌ها و افسانه‌ها هم سخن به میان آمده است. برای نمونه می‌توان به مهر استوانه‌ای بدل چینی یافت شده از محوطه باستانی دینخواه تپه (Muscarella, 1974: 8) و مهر استامپی یافت شده از محوطه مینگه چویز در جمهوری آذربایجان (Vahidov, 1961: 4) اشاره کرد. همچنان که ذکر شد، گوزن در ادبیات داستانی نیز انعکاس یافته و در یکی از افسانه‌های آذربایجان به نام آنا-مارال^۲ (Mother Deer)، در مورد گوزن و شکارچی داستان‌هایی آمده است (Paşayév, 1985: 126).

جالب است بیشتر نقوش «مجموعه داش» در پناهگاه‌های سنگی^۳ ایجاد شده است. از آنجاکه کوه «داش» در کنار رودخانه دائمی و حیاتی قره‌سو قرار دارد، کمین کردن شکارگران برای صید حیوانات مختلف که به حاشیه رودخانه می‌آمدند به ذهن انسان تداعی می‌کند. فاصله امروزی مجموعه داش تا رودخانه قره‌سو نهایتاً 1 Km است. با کم بودن فاصله مابین پناهگاه‌ها و اترافگاه‌های مجموعه داش و ساحل رودخانه برای شکار سریع و موثر می‌توان نتیجه گرفت که آب رودخانه قره‌سو و منابع زیستی آن خیلی بیشتر از امروز بوده تا آنجاکه به خاطر کم بودن مسافت مابین پناهگاه‌های شکارگران و ساحل رودخانه، فرآیند شکار به راحتی صورت می‌گرفته است.

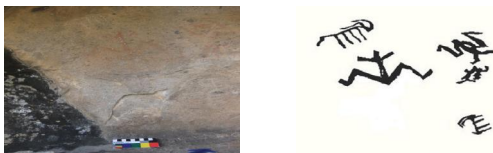
۷. پیکتوگراف‌های (رنگین نگاره) مجموعه داش

هنر صخره‌ای به شکل پیکتوگراف یا رنگین نگاره در چندین نقطه از جهان و از جمله در ایران به صورت بسیار محدود از مناطقی مانند کوه‌دشت لرستان (غارهای دوشه، میرملاس و مجموعه نقوش همیان) اشکفت بستک هرمزگان (رفیع فر، ۱۳۸۴؛ اسدی، ۱۳۸۶)، در شمال خراسان در منطقه کوهستانی

جنوب فاروج در نزدیکی روستاهای باش محله، زینه کانلو و نرگسلوی علیا (اجاقلار) در غرب بجنورد (وحدتی، ۱۳۸۹) به دست آمده است.

بیشتر پژوهشگران، نقاشی‌های درون غار و سرپناه‌های صخره‌ای را مربوط به کهن‌ترین ادوار زندگی بشر می‌دانند. در منطقه وسیعی از آسیای شمالی، آسیای مرکزی و ایران چندین نمونه رنگین نگاره‌ها در غارها و پناهگاه‌های سنگی پیدا شده‌اند که اغلب صحنه‌های مشابه شکار را ترسیم کرده و محققان بدون اتفاق نظر تاریخ‌های متفاوتی را برای آنها پیشنهاد کرده‌اند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸).

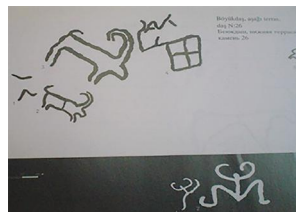
از مهم‌ترین یافته‌های مجموعه داش، پیکتوگراف‌هایی است که با رنگ قرمز روی سطح صخره نقاشی شده است. با توجه به رنگ استفاده شده، احتمالاً این نقوش با یکی از ترکیبات اکسید آهن نقاشی شده و به تولید رنگ قرمز اخرایمی منجر شده است. مضمون اصلی این نقاشی‌ها، نقش‌های انسانی (احتمالاً زن) است. به طور کلی این نقاشی‌ها، تصویر سه زن را در حالت زایمان یا در حالت چمباتمه زدن نشان می‌دهد (تصویر ۲).



تصویر ۲: نقوش انسانی مجموعه داش (نگارندگان)

دو مورد از این پیکتوگراف‌ها مربوط به نقش انسانی است ولی مورد سوم، تقریباً محو شده و به سختی دیده می‌شود. مانند این نقوش از قوبستان جمهوری آذربایجان نیز به دست آمده است (تصویر ۳).

تصویر ۳: نقوش انسانی بدست آمده از قوبستان (Rüstəmov: 1994)



۸. علائم هندسی نمادین و کاپیول‌ها (فنجان‌نماها)

یکی از مواردی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه با تعیین قدمت نسبی آثار باستانی و ارتباطات فرهنگی با مناطق دیگر ایفا کند علامت‌ها و نشانه‌هایی است که نماد و سمبل فرهنگ یا فلسفه‌ای خاص بوده و گستره فرهنگی جغرافیایی وسیعی را در بر می‌گیرد. بنابراین با بررسی تطبیقی آنها می‌توان تا حدود زیادی به زمان ایجاد نقوش، زمینه‌های فرهنگی و هنری مردمانی که آنها

1. Mingeçevir
2. Ana - Maral
3. Shelter

حیوانات (تصویر ۹) تا حدودی این نظریه را اثبات می‌کند. نقش هندسی دیگر (طرح ۲) است که آن نیز با روش کوبشی کار شده و یک محیط دایره تو خالی است که در سمت شمال شرقی آن ۴ بز و یک گوزن به صورت ردیفی در حال راه رفتن هستند. قسمت‌های شرقی و جنوبی این تابلو با یک نقش خطی شبیه کمان احاطه شده است که شاید بتوان آن را رودخانه تفسیر کرد. در نقطه شروع این خط و شیار شبیه به کمان، چاله‌هایی به صورت هدفمند و منظم ایجاد شده و در محل تقاطع تبدیل به یک شیار گردیده و به سمت پایین کشیده شده است.



تصویر ۵: کاپیول با کارکرد جمع آوری آب در قوبستان (Ferecova, 2007: 37)

تصویر ۶: کاپیول‌هایی با کارکرد شمارشی در محوطه داش (نگارندگان)

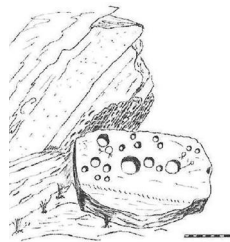


تصویر ۷: کاپیول با کارکرد جمع‌آوری آب در محوطه داش (نگارندگان)



تصویر ۸: کاپیول با کارکرد غیرشمارشی در محوطه داش (نگارندگان)

طرح ۱: طرح کاپیول از قوبستان، منبع: (Ferecova, 2007: 7)



را به وجود آورده‌اند و فلسفه وجودی و ارتباط با سایر نقوش مجاور آنها دست یافت (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۳). در سنگ نگاره‌هایی که در مناطق مختلف ایران بررسی شده‌اند، علایمی وجود دارد که به عنوان رمز حیات یا نشانه خورشید تعبیر شده‌اند. از جمله نقش چلیپا و چلیپا شکسته که محققین آن را گردونه خورشید و نمادی از این عنصر سود رسان طبیعت تعبیر کرده‌اند (بختور تاش، ۱۳۵۶: ۲۷).

در مجموعه داش نقوش هندسی، مهم‌ترین گروه نقش‌ها را تشکیل می‌دهد، جالب‌ترین آنها دایره‌های کوچکی هستند که با حالت کوبشی ایجاد شده و در کنار یکدیگر دو شکل بیضی را به وجود آورده‌اند، علاوه بر این می‌توان به دایره‌های تو خالی یا فنجان واری در اندازه‌های مختلف که در کنار هم قرار گرفته و تقریباً اشکالی بیضوی مانند را



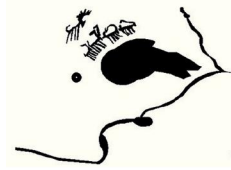
تصویر ۴: نقوش کوبشی از دایره‌های پیوسته (نگارندگان)

به وجود آورده‌اند، اشاره کرد (تصویر ۴).

نقوشی که در سطور بالا از آن به عنوان دایره‌های تو خالی یا فنجان وار سخن به میان رفت، در مجموعه داش در اندازه‌ها و عمق‌های مختلف از ۲Cm تا ۲۰Cm ایجاد شده است. این نوع کاپیول‌ها یا چاله‌های سنگی علاوه بر ایران از سایر محوطه‌هایی مانند میراث جهانی قوبستان، از کوه‌های بویوک داش^۲، کیچیک داش^۳ و جینقیر داغ^۴ نیز پیدا شده‌است. محققان کارکرد چاله‌ها را برای جمع آوری باران، ظرفی برای پخت غذاهای آیینی، جایی برای جمع‌آوری خون‌های قربانی، ظرفی برای رنگرزی و همچنین سمبل‌های فلکی قلمداد کرده‌اند (Ferecova, 2007: 54). داده‌های قوم‌نگاری^۵ از بخش‌های مختلف جهان، نشان می‌دهد این قبیل چاله‌ها، گذشته از جمع آوری آب باران و خون قربانی در مراسم آیینی - تشریفاتی، در پخت غذاها نیز استفاده می‌شده است. سنت پخت غذاهای آبدار در چاله‌ها به وسیله ساکنان منطقه آذربایجان، تا به امروز محافظت شده و به دست ما رسیده است. به عنوان مثال، در منطقه لریک آذربایجان در زواند^۶، یک سنت پخت شیر که سوقاق^۷ و قوقورتماچ^۸ نامیده می‌شود با کمک قلمه سنگ‌های داغ که به داخل چاله‌ها انداخته می‌شود، امروزه نیز انجام می‌شود (تصویر ۵) (طرح ۱) (ibid, 57). با توجه به اندازه عمق کاپیول‌های مجموعه داش می‌توان کارکرد های شمارشی (تصویر ۶) و محلی برای جمع آوری آب (تصویر ۷ و ۸) و آبشخور بودن و... در نظر گرفت. در کنار بعضی از این نقوش چاله مانند، تصویر بز کوهی و سایر

5. Ethnography
6. Zuvand
7. Suqaç
8. Qoqurtmaç

1. Gobustan
2. Böyükdaş
3. Kiçikdaş
4. Cingirdağ



طرح ۴: گوزن ردیفی در حال راه رفتن، مجموعه داش (نگارندگان)



تصویر ۹: حکاکی شبیه کمان مجموعه داش (نگارندگان)

۹. تاریخ‌گذاری

متأسفانه در ایران به دلیل عدم وجود مطالعات گاهنگاری دقیق از هنر صخره‌ای، تاکنون به تاریخ دقیق هر یک از فنون هنر صخره‌ای دست نیافته‌ایم و در این میان تنها یاری دهنده ما در تحقیقات این علم، مقایسه محوطه مورد مطالعه با دیگر محوطه‌های تاریخ‌گذاری شده منطقه و حتی جهان است. اولین نکته‌ای در محوطه داش خودنمایی می‌کند وجود چندین رنگین‌نگاره است. اگرچه سال‌یابی هنر رنگین‌نگاره یا همان پیکتوگرافی مشکل است اما با توجه به یافته‌های دیگر نقاط جهان می‌توان به تاریخ‌گذاری نسبی دست یافت. در استرالیا که سرزمین غنی این هنر باستانی محسوب می‌شود با تجزیه و تحلیل تکنیک‌های به کار رفته و رنگدانه‌ها در آنها به سال‌های پلیستوسن (David et al, 2013: 3) و در شمال استرالیا نیز با گاه‌نگاری دقیق که صورت گرفته هنر رنگین‌نگاره به ۲۵۰۰۰ سال قبل تاریخ‌گذاری شده است (Watchman, 1993: 465). به نظر می‌رسد در قسمت جنوبی این محوطه پناهگاه سنگی در عصر پالئولیتیک ایجاد شده بوده است. دیگر مواردی که می‌توان بدان اشاره کرد وجود موتیف‌های متنوع انسانی و حیوانی است که با مقایسه موتیف‌های قوبستان (Ferecova, 2007)، گمی قایا (Baxşəliyev, 2006) و حضور حیواناتی نظیر بز و گوزن، عصر مفرغ را محتمل‌ترین تاریخ برای ترسیم این نمونه‌ها دانست. از دیگر موارد قابل تطبیق با مجموعه قوبستان کاپیول‌ها یا چاله‌های ایجاد شده روی سنگ‌های هردو محوطه است. مشاهده شدن نام "محمد" و "شهرام گوزلی" در روی یکی از سنگ‌های قسمت جنوبی محوطه می‌توان چنین پنداشت که نقر هنر صخره‌ای تا همین اواخر در این مجموعه ادامه داشته است. با تجزیه و تحلیل عمق و هوازدگی این نقوش می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ ایجاد نقوش در سمت شمالی مجموعه به مراتب قدیمتر از قسمت جنوبی بوده است.

۱۰. نتیجه‌گیری

آثار باستانی و فرهنگی سرزمین پهناور آذربایجان چنان بکر و غنی است که به محققان اجازه می‌دهد در زمینه علوم مختلف به بررسی و مطالعه پرداخته و نتایج ارزشمندی از

پیشینه انسان به دست آورند. در این میان، برای حوضه رود قره‌سو با داشتن شرایط ویژه و استراتژیک برای زندگی جوامع ابتدایی باید جایگاه ویژه‌ای قائل شد. علاوه بر تپه‌های باستانی که در حوضه رود قره‌سو شناسایی شده‌اند، محوطه‌های دیگری مانند مجموعه‌های نقوش صخره‌ای که بر دیوارهای صاف صخره‌ها یا روی تخته سنگ‌های بزرگ ایجاد شده‌اند از منظر باستان‌شناسی و فرهنگی- هنری دارای اهمیت ویژه‌ای هستند و همچنین وجود حیوانات متعدد گویای شرایط زیست محیطی منطقه مورد مطالعه است. سنگ نگاره‌های محوطه داش در بین دو روستای دده بیگلو و چاپاقان قرار گرفته که مطالعه و بررسی آن در شناخت گذشته منطقه مهم است. نقوش صخره‌ای محوطه داش از نظر موتیف، دارای فیگورهای انسانی، حیوانی، هندسی و نمادین است. بیشترین نقوش مربوط به نقوش حیوانی است، اما در کنار نقوش حیوانی می‌توان موتیف‌های دیگر را نیز مشاهده کرد. در تمامی نقوش می‌توان صحنه‌های بسیاری را مشاهده کرد که هر کدام دارای نماد خاصی دارد و می‌توان گفت هیچ کدام از نقوش شاید بی‌دلیل و از روی اتفاق نقش نشده است. می‌توان گفت نقوش منطقه شمال غرب ایران با سنگ نگاره‌های شمال رود ارس به خصوص مجموعه قوبستان آذربایجان دارای شباهت‌های بسیار زیادی باشد. با توجه به مستندات و پژوهش‌های محققان که پیش‌تر در مورد این نقوش کار کرده‌اند، شباهت بسیار زیاد میان نقوش منطقه شمال غرب و منطقه قوبستان از لحاظ مضمون و سبک‌های نقاشی وجود دارد، بنابراین با توجه به تاریخ‌گذاری دقیق محوطه قوبستان می‌توان با مقایسه نقوش این دو منطقه برای نقوش حوضه قره‌سو، تاریخی از دوره نوسنگی تا دوران معاصر را داد. با توجه به یافته‌های موجود، نقوش صخره‌ای قره‌سو دارای پیشینه‌ای غنی از نظر استقرار و سکونت گروه‌های مختلف در این منطقه بوده یا مربوط به جوامع و گروه‌هایی است که مراحل تدریجی زندگی، از کوچندگی و شکارواری تا رمه‌داری و یکجانشینی را تجربه کرده‌اند. از این رو با توجه به شواهد و مقایسه‌هایی که صورت گرفت، می‌توان استنباط کرد نقوش صخره‌ای حوضه رود قره‌سو مانند نقوش شهری، مشیران، دوه دره سی، شیخ مدی و به ویژه مجموعه داش، یادگارهایی از دوران پیش از تاریخ است که به گونه‌ای تقلیدی و با مشخصه‌هایی ویژه تا به امروز نیز ادامه پیدا کرده است. در حوضه رود قره‌سو تمام مجموعه‌ها در مناطق عشایرنشین یا مجاورت آن قرار دارند و جالب آن است که امروزه نیز روستانشینان به کوچ‌هایی در فواصل کم دست می‌زنند، از این رو می‌توان نتیجه گرفت دامداران کوچ‌رو نیز در به‌وجود آمدن این نقوش، نقش و دخالتی داشته‌اند.

منابع

اسدی، علی. (۱۳۸۶). شکفت آهو؛ «پناهگاهی صخره‌ای در



(North-Western Iran), Haftavan period VI Halilov, Toğrul, (2013). MÖ VI-I. Yüzyıllarında Nahçıvan'da seramikçilik, Türkiye arařtırmaları enstitüsü dergisi(TAED), 50, Erzurum.

Ferecova, Melahet. (2007). «Qobustan Çalaları», Azerbaijan dövlət nəşriyyatı, baki.

Kazempur.M, Eskandari. N, Shafizade A, 2011, The petroglyphsof Dowzdaghi, Northwestern Iran, DocumentaPraehistorica XXXVIII, Pp 383-387.

Kushnareva, K. Kh. (1997). The Southern Caucasus in prehistory: Studies of Cultural and socio Economic Development from the Eerly Bronze Age to the second Millennium B.C, Translated by H.N Michael, The University museum, university of Pennsylvania, PA

Lippert, A,)1979(, Die osterreichischen ausgrabungen am Kordlar-tepe in persisch-westaserbeidschan (1971-1978), AMI, band 12, pp 103-137

Muscarella, Oscar White, (1974). The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran, Metropolitan Museum Journal, Vol. 9, pp 35-90.

Paşayév, Sednik,)1985(, Azərbaycan Xalq Efsaneleri, Yazıçı, Bakı

Quliyeva. Z, K, (2014), Arpaçay Vadısının Tunc Dövrü Arxeoloji Abideleri, Elm və Təssil Neşriyyatı Bakı.

Rüstəmov, Cəfərqulu,)1994(, Gobustan dünyası, Azərbaycan dövlət nəşriyyatı, baki.

Sınay, Sue, Anne, (2001), Rock Art Native American Indians Southern California, Manhattan Beach. California, USA.

Smith, Benjamin, (2006). Reading Rock Art and Writing Genetic History: Eegionalism, Ethnicity and The Rock Art of Southern Africa, In: Soodyal, H. (ed.) The Prehistory of Africa: 76-96; 176-181. Cape Town: Jonathan Ball.

Vahidow, R, M, (1961), Mingechevir III – VIII Esrlerde, Azerbaijan SSR Elmler Akademijjasi Neshrijjati, Baki.

Watchman, Alan, (1993), Evidence of a 25,000-year-old pictograph in Northern Australia, Geoarchaeology, Volume 8, Issue 6, pages 465–473

شهرستان بستک (هرمزگان))، مجله باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، صص. ۶۵ – ۷۰.

بختور تاش، نصرت‌الله. (۱۳۶۵)، «گردونه خورشید یا گردونه مهر»، تهران: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

بختیاری شهری، محمود. (۱۳۸۸)، «بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، شماره ۱، صص ۳۱-۴۴.

تولستوی، لئون. (۱۳۵۶)، «هنر چیست؟»، ترجمه کاوه دهگان، تهران: امیر کبیر.

رفیع فر، جلال الدین. (۱۳۸۱)، «سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سونگون)»، نامه انسان شناسی، دوره اول، شماره اول، صص ۴۴-۷۵.

رفیع فر، جلال الدین. (۱۳۸۴)، «سنگ‌نگاره‌های ارسباران»، تهران: انتشارات پژوهشکده مردم شناسی.

رفیع فر، جلال الدین. (۱۳۸۸)، «هنر صخره‌ای در شمال غرب ایران، سنگ نگاره‌های هوراند (لقلن)»، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی.

فتاح‌زاده، پریش. (۱۳۹۴)، «بررسی سنگ‌نگاره‌های مشگین‌شهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ هنر، دانشگاه آزاد واحد شبستر، آذربایجان شرقی، (منتشر نشده).

کریمی، فریبرز. (۱۳۹۱)، «نقوش صخره‌ای ارسباران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ هنر، دانشگاه آزاد واحد شبستر، آذربایجان شرقی (منتشر نشده).

هورشید، شقایق. (۱۳۸۶)، «معرفی نقوش صخره‌ای شهریری (قلعه ارجق)»، مجله باستان پژوهی، شماره سوم.

وحدتی، علی اکبر. (۱۳۸۹)، «بوم‌های سنگی: گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در استان خراسان شمالی (جربت و نرگسلوی علیا)»، خراسان شمالی: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان شمالی.

نوراللهی، علی. (۱۳۹۷)، «نقش‌های صخره‌ای نویافته دوه دانشی در کرانه سفیدرود (قزل اوزن) شهرستان طارم»، ایران ورجاوند، پیاپی ۱، ۳۵-۱۹.

Baxşəliyev, Vəli.)2006(. Azərbaycan Arxelogiyası, Naxçıvan Dövlət Universiteti, Bakı.

Bradley, Richard, Boado F. C. and Valcarce r. F, (1994), Rock Art research as landscape Archaeology: A pilot study in Galicia, NW Spain, World Archaeology 25(3): 374–390.

Brown, Burton,T.)1951(. Excavations in Azerbaijan 1948, London: John Murray

David, Bruno, Geneste, Jean-Michel, Fiona Petchey, Jean-Jacques Delannoy, Bryce Barker, Mark Eccleston,)2013.(How old are Australia's pictographs? A review of rock art dating, Journal of Archaeological Science, Volume 40, Issue 1, Pages 3–10

Edwards, Michael, (1983). Excavations in Azerbaijan

Studying the Petroglyphs of Dash Ancient Complex; Meshgin Shahr, Northwest of Iran

Ali Karimikiya

(PhD student in Archeology, Mohagheh Ardabili University. a.karimikiya@gmail.com)

Mohammad Mirzaei

Graduated MA in Archeology Sistan and Baluchestan University

Siyavash Abdollahi

PhD student in Archeology, Mohagheh Ardabili University

Saeid Sattarnezhad

PhD student in Archeology, Mohagheh Ardabili University

Behnam Karimi

PhD student in Archeology, Mohagheh Ardabili University

Abstract:

Rock reliefs and petroglyphs as a worldwide art date back to earliest centuries of human history, and are the most basic form of art for human being to express their emotions and observations. Most of the mountainous regions in Iran are embedding petroglyphs related to nomadic life and pastoralism. Dash complex is located on northwest of Iran, on the basin of Qarasu River in Meshgin Shahr county, its motifs are mostly about subsistence of the habitant and we hope to achieve evidences regarding the livelihood of the primary residents of this region. Other sites on the Basin of Qarasu River such as Shahar Yeri, Mashiran, Sheikh Medi and Deveh Deresiare also containing similar and related petroglyphs. Studying "Dash complex" petroglyphs is conducted based on filed surveys and library researches; the petroglyphs are divided into three categories of human, animal and geometric motifs and their connection and association with environmental and livelihood background of the region is subject of the present study analysis.

Keywords: Northwest of Iran, Meshgin Shahr, Qarasu River, Petroglyph, Dash Complex

